



Child and Childhood from the Perspective of Philosophy and Literature

کودک و کودکی از منظر فلسفه و ادبیات

Maryam Sha'ban

PhD in Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

مریم شعبان

دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

m69.shaban@yahoo.com

<http://orcid.org/0000-0001-6274-3684>

Abstract

The present study seeks to identify the types of perception, description, definition and analysis of various sciences, including history, psychology, sociology and demography of children and childhood. The results show that the view of history on childhood is a relativistic and constructive view. History does not consider childhood as an absolute and intrinsic thing; a child is a socially constructed thing from the perspective of history. History is the beginning of childhood sociological studies. It is as if it created a basis for relativistic thinking based on social and cultural conditions. Are. Psychology still relies on fixed transtemporal and transcendental rules for a child's development, and development is evolutionary. Childhood is not a goal but a path to achieve the goal which is adulthood, so the emphasis is on the importance of childhood to lay the foundations for healthy physical and mental development for adulthood. Sociology, on the other hand, considers a child to be a social construct that is quite different in terms of time and place. From a sociological point of view, a child is not based on the rule of evolution; Childhood is not a path and a tool to reach adulthood, but childhood itself is a goal. Childhood must be recognized as a goal and from the perspective of children themselves, otherwise adulthood will be recognized as a goal and cognition of children from the perspective of adults. Ultimately, this leads to legitimacy and justification for the exercise of adult domination and power over children.

Keywords: Childhood, Child, Sociology of Knowledge, Children's Philosophy, Children's Literature.

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال شناسایی نوع درک، توصیف، تعریف و تحلیل دانش و علوم مختلف از جمله تاریخ، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی نسبت به کودک و کودکی است. این پژوهش در سطح جامعه‌شناسی علم و معرفت و با رویکرد کیفی و روش تحلیل اسنادی صورت می‌پذیرد. نتایج نشان می‌دهند که نگاه تاریخ به کودکی، نگاهی نسبی‌گرایانه و برساختی است. تاریخ، کودکی را امری مطلق و ذاتی نمی‌داند، کودکی از منظر تاریخ امری برساخته اجتماعی است. تاریخ سرآغازی برای مطالعات جامعه‌شناختی کودکی است. گویی بسترهایی برای اندیشیدن نسبی‌گرایانه براساس شرایط اجتماعی و فرهنگی ایجاد کرده. در بین نگاه‌های روان‌شناسانه و جامعه‌شناختی‌تر نسبت به کودکی تعارض وجود دارد و در این رابطه همواره شاهد دوالیته روان‌شناسی و جامعه‌شناسی هستیم. روان‌شناسی هنوز متکی به قواعد ثابت فرازمانی و فرامکانی برای رشد کودک است و رشد نیز تکاملی است. کودکی نه هدف بلکه مسیری برای رسیدن به هدف که همان بزرگسالی است، می‌باشد لذا تأکید بر اهمیت کودکی برای ایجاد میناهای رشد کالبدی و روانی سالم برای بزرگسالی است. درحالی که جامعه‌شناسی، کودکی را برساخته اجتماعی می‌داند که براساس شرایط زمانی و مکانی، کاملاً متفاوت است. کودکی از منظر جامعه‌شناسی مبتنی بر قاعده تکامل نیست؛ کودکی نه مسیر و ابزاری برای رسیدن به بزرگسالی بلکه کودکی خود هدف است. کودکی باید به‌عنوان هدف و از منظر خود کودک‌کان شناخته شود در غیر این صورت بزرگسالی هدف و شناخت کودکی نیز از منظر بزرگسالان خواهد بود. در نهایت چنین امری منجر به مشروعیت‌بخشی و توجیه اعمال سلطه و قدرت بزرگسالان بر کودکان می‌گردد.

واژگان کلیدی: کودکی، علم، روان‌شناسی رشد، برساخت‌گرایی، عاملیت کودک‌کان.

Received: 2022/04/07 - Review: 2022/05/17 - Accepted: 2022/07/17

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۱۷ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷